

الله أوحى نفسه في الإبن وأجلسه عن يمينه

¹الله، بَعْدَ مَا كَلَّمَ الْآبَاءَ بِالْأَنْبِيَاءِ قَدِيمًا بِأَنْوَاعٍ وَطُرُقٍ كَثِيرَةٍ،² كَلَّمَنَا فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْآخِرَةِ فِي ابْنِهِ الَّذِي جَعَلَهُ وَارِثًا لِكُلِّ شَيْءٍ، الَّذِي بِهِ أَيْضًا عَمِلَ الْعَالَمِينَ.³ الَّذِي، وَهُوَ بَهَاءُ مَجْدِهِ وَرَسْمُ جَوْهَرِهِ وَحَامِلُ كُلِّ الْأَشْيَاءِ بِكَلِمَةٍ قُدْرَتِهِ، بَعْدَ مَا صَنَعَ بِنَفْسِهِ تَطْهِيرًا لِخَطَايَانَا جَلَسَ فِي يَمِينِ الْعِظَمَةِ فِي الْأَعَالِي⁴ صَائِرًا أَعْظَمَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ بِمَقْدَارِ مَا وَرَثَ اسْمًا أَفْضَلَ مِنْهُمْ.

⁵لأنَّهُ لِمَنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَطُّ: "أَنْتَ ابْنِي، أَنَا الْيَوْمَ وَلَدْتُكَ"، وَأَيْضًا: "أَنَا أَكُونُ لَهُ أَبًا وَهُوَ يَكُونُ لِي ابْنًا"؟⁶ وَأَيْضًا مَتَى أَدْخَلَ الْبِكْرَ إِلَى الْعَالَمِ يَقُولُ: "وَلَتَسْجُدَ لَهُ كُلُّ مَلَائِكَةِ اللَّهِ".⁷ وَعَنِ الْمَلَائِكَةِ يَقُولُ: "الصَّانِعُ مَلَائِكَتَهُ رِبَاحًا وَخُدَّامَهُ لَهَبَ تَارٍ".⁸ وَأَمَّا عَنْ الْإِنْسَانِ: "كُزِّسْتُكَ، يَا إِلَهَ، إِلَى دَهْرِ الدَّهْوَرِ، قَضِيبُ اسْتِقَامَةٍ قَضِيبُ مُلْكِكَ،⁹ أَحْبَبْتُ الْبِرَّ وَأَبْغَضْتُ الْإِثْمَ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ مَسَحَكَ اللَّهُ، إِلَهَكَ، بِرَبِّبِ الْإِبْتِهَاجِ أَكْثَرَ مِنْ شُرَكَائِكَ".¹⁰ وَ: "أَنْتَ، يَا رَبِّ، فِي الْبَدْءِ أَسَّسْتَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ هِيَ عَمَلُ يَدَيْكَ،¹¹ هِيَ تَبِيدُ وَلَكِنْ أَنْتَ تَبْقَى، وَكُلُّهَا كَتُوبٌ تَبْلَى¹² وَكَرْدَاءٍ تَطْوِيهَا فَتَتَغَيَّرُ، وَلَكِنْ أَنْتَ، أَنْتَ وَسَيُوكَ لَنْ تَفْنَى".¹³ ثُمَّ لِمَنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَطُّ: "اجْلِسْ عَنْ يَمِينِي حَتَّى أَصْغَعَ أَعْدَاءَكَ مُوَطِّئًا لِقَدَمَيْكَ".¹⁴ أَلَيْسَ جَمِيعُهُمْ أَرْوَاحًا خَادِمَةً مُرْسَلَةً لِلْخِدْمَةِ لِأَجْلِ الْعَبِيدِينَ أَنْ يَرْتُوا الْخَلَاصَ؟

خدا از طریق پسرش صحبت کرد

¹خدا، که در زمانِ سَلَف به اقسامِ متعدّد و طریق‌های مختلف بوساطتِ انبیا به پدران ما تکلم نمود،² در این ایّام آخر به ما بوساطتِ پسر خود متکلم شد، که او را وارثِ جميع موجودات قرار داد، و به‌وسیله او عالمها را آفرید؛³ که فروغِ جلالش و خاتمِ جوهرش بوده و به کلمه قوّت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلیٰ علیین بنشست؛⁴ و از فرشتگان افضال گردید، به مقدار آنکه اسمی بزرگتر از ایشان به میراث یافته بود.

⁵زیرا به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت که: تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم؟ و ایضاً: من او را پدر خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟⁶ و هنگامی که نخست‌زاده را باز به جهان می‌آورد، می‌گوید که: جميع فرشتگان خدا او را پرستش کنند.⁷ و در حق فرشتگان می‌گوید که: فرشتگان خود را باها می‌گرداند و خادمان خود را شعله آتش.⁸ اما در حق پسر نیز می‌گوید: ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است.⁹ عدالت را دوست و شرارت را دشمن می‌داری؛ بنابراین خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفاقت مسح کرده است.¹⁰ و: تو، ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است.¹¹ آنها فانی، لکن تو باقی هستی، و جميع آنها چون جامه مندرس خواهد شد،¹² و مثل ردا آنها را خواهی پیچید و تغییر خواهند یافت. لکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد.¹³ و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای‌انداز تو سازم؟¹⁴ آیا همگی ایشان روح‌های خدمتگزار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟